



رفع محدودیت ایران و فرصت های اقتصادی پیش روی گرجستان

دیوید جیجلاوا: از زمان فروپاشی شوروی، گرجستان تعامل نسبتاً اندکی با ایران داشته و در عوض، محور آرمان های آن غرب و محور نگرانی های آن روسیه بوده است. در سالیان اخیر، حتی تعامل نسبتاً اندک بین ایران و گرجستان به واسطه تحریم های بسیار سختگیرانه مورد اجرای جامعه بین الملل علیه ایران به چالش کشیده شده است.

دیوید جیجلاوا: از زمان فروپاشی شوروی، گرجستان تعامل نسبتاً اندکی با ایران داشته و در عوض، محور آرمان های آن غرب و محور نگرانی های آن روسیه بوده است. در سالیان اخیر، حتی تعامل نسبتاً اندک بین ایران و گرجستان به واسطه تحریم های بسیار سختگیرانه مورد اجرای جامعه بین الملل علیه ایران به چالش کشیده شده است. با وجود این، در جولای 2015، طرح جامع اقدام مشترک (برجام) امضا شد و تحریم های هسته ای 6 ماه بعد به حالت تعلیق درآمد. این مسأله منجر به طرح مجدد مباحث پیرامون نقش بالقوه ایران در منطقه شده است. این کشور با جمعیت حدود 80 میلیون نفر، دارای جایگاه هجدهمین اقتصاد بزرگ در جهان (در شرایط برابری قدرت خرید) و بهره مند از منابع سرشار نفت و دومین منبع مورد تأیید گاز طبیعی جهان، قطعاً منبع بالقوه فرصت اقتصادی به نظر می رسد. ایران به عنوان ابزار تنوع بخشی به تأمین انرژی گرجستان، بازاری برای صادرات این کشور و محلی برای درآمدزایی بخش گردشگری گرجستان و انجام سرمایه گذاری خارجی در این کشور مورد بحث قرار گرفته است ...

رفع محدودیت ایران و فرصت های اقتصادی پیش روی گرجستان
ایران: از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، گرجستان تعامل نسبتاً اندکی با ایران داشته است و در عوض، محور آرمان های آن غرب و محور نگرانی های آن روسیه بوده است. در سالیان اخیر، حتی تعامل نسبتاً اندک بین ایران و گرجستان به واسطه تحریم های بسیار سختگیرانه مورد اجرای جامعه بین الملل علیه ایران به چالش کشیده شده است. گرچه، در جولای 2015، طرح جامع اقدام مشترک (برجام) امضا شد و تحریم های هسته ای 6 ماه بعد به حالت تعلیق درآمد. این مسأله منجر به طرح مجدد مباحث پیرامون نقش بالقوه ایران در منطقه شده است. این کشور با جمعیت حدود 80 میلیون نفر، دارای جایگاه هجدهمین اقتصاد بزرگ در جهان (در شرایط برابری قدرت خرید) و بهره مند از منابع سرشار نفت و دومین منبع مورد تأیید گاز طبیعی جهان، قطعاً منبع بالقوه فرصت اقتصادی به نظر می رسد. ایران به عنوان ابزار تنوع بخشی به تأمین انرژی گرجستان، بازاری برای صادرات این کشور و محلی برای درآمدزایی بخش گردشگری گرجستان و انجام سرمایه گذاری خارجی در این کشور مورد بحث قرار گرفته است (1).

در این مقاله هر یک از این گزینه ها در چارچوب گسترده تر ژئوپلیتیک در نظر گرفته می شود. در مجموع، این نتیجه حاصل می شود که به رغم وجود فرصت های کوتاه مدت در صنعت گردشگری، تا زمانی که برجام حداقل تا چند سال آتی اجرایی بماند، بعید است در حوزه های دیگر فرصت قابل توجهی ایجاد گردد، چرا که ایرانیان بر اساس تجربه قبلی خود می دانند که در صورت اعمال مجدد تحریم ها، گرجستان ارتباط خود با غرب را بر روابط با ایران ترجیح می دهد.

نفت و گاز
گرجستان احتمالاً از منابع نفت و گاز ایران، تنوع بخشی به عرضه نفت و گاز خود، ایفای نقش مرکز ترانزیت یا ارائه خدمات به عنوان محل تولید صادرات با ارزش افزوده سود می برد. در آغاز سال 2016 وزیر انرژی گرجستان کاخا کالادزه با پیشنهاد خود مبنی بر این که امکان دارد گرجستان منابع گازی خود را متنوع سازد و مقداری گاز از ایران خریداری نماید جنجالی در رسانه ها به راه انداخت. این مورد بر اساس پیشنهادهای قبلی مقامات دولتی ایران مبنی بر این مسأله مطرح گردید که احتمال دارد ایران انتقال گاز خود به ارمنستان به عنوان مسیر ترانزیت به گرجستان را افزایش دهد. گرجستان برای تأمین منابع گازی خود به شدت به جمهوری آذربایجان وابسته است و درصد کمی از گاز خود را از روسیه وارد می کند. محور اصلی این بحث در مورد این مسأله بود که آیا عقد قراردادهای جدید با گازپروم اقدام سنجیده ای به شمار می آید یا خیر. اما در این روند، گاز ایران که از طریق ارمنستان ترانزیت می شود نیز به عنوان یک گزینه احتمالی مطرح گردید.

گرجستان از محل ترانزیت گاز ارسالی ایران به اروپا نیز می تواند درآمد کسب نماید. بهبود خط لوله کریدور جنوب در حال حاضر توسط شرکت بریتیش پترولیوم در کنسرسیومی شامل شرکت نفت آذربایجان صورت می گیرد. هدف خط لوله بهبود یافته، خط لوله قفقاز جنوبی، افزایش ظرفیت ترانزیت گاز در آذربایجان و گرجستان به سه برابر میزان فعلی است و هدف نهایی آن تأمین گاز اروپا از طریق خط لوله تاناب تحت مالکیت ترکیه/ آذربایجان است. این خط لوله در اصل برای انتقال گاز آذربایجان از دریای خزر برنامه ریزی شده بود، اما ظرفیت آن برای ترانزیت از ظرفیت عرضه گاز جمهوری آذربایجان به مراتب بیشتر است. دو منبع به احتمال زیاد مورد نظر به عنوان عرضه کننده مکمل برای این خط لوله گاز، ایران و ترکمنستان هستند (2).

در نهایت، گرجستان می تواند از منابع نفت و گاز ایران سود به دست آورد، اگر انتقال نفت و/ یا گاز به گرجستان (از طریق جمهوری آذربایجان یا ترکیه) برای انجام فرآوری در ساحل دریای سیاه را انتخاب نماید که این امر امکان دسترسی آسان تر به اروپا را در اختیار آن قرار می دهد. هیچ یک از این گزینه ها در کوتاه یا میان مدت به نظر محتمل نمی رسند. بعید است ایران برای صادرات گاز خود به اروپا از طریق انتقال آن به ارمنستان اقدام کند، چرا که خط لوله ای که باید از آن استفاده نماید متعلق به شرکت گازپروم است. همچنین بعید است ایران از طریق گرجستان و با استفاده از خط لوله قفقاز جنوبی به اروپا گاز صادر نماید، چرا که اولویت اعلام شده آن صادرات گاز به آسیا است و حتی در صورت تمایل این کشور به اتصال به خط لوله تاناب، مسیر مستقیم تری خارج از آذربایجان و گرجستان وجود دارد که در ارزوم به این خط لوله متصل می شود. گرچه، این مسأله دقیقاً مشخص نیست. زمانی در سیاست «اولویت دهی به آسیا» ایران انعطافی مشاهده گردید، اما در مه 2015، اظهارات علنی وزیر نفت زنگنه به شدت بیانگر سیاست «اولویت دهی به آسیا» در برنامه صادرات گاز ایران بود. بهبود کیفیت مسیر ارزوم نیز احتمالاً بسیار دشوار است (3). در نهایت، احتمال دارد فعالیت های با ارزش افزوده ای (مانند گاز طبیعی مایع یا احداث پالایشگاه) در آینده در گرجستان صورت گیرند، اما ظاهراً ایران در حال حاضر ابتدا خواستار ساخت ظرفیت های محلی خود در هر دو حوزه است.

صادرات کالا و خدمات
پس از نفت و گاز، محور بحث بعدی در مورد فرصت های ارائه شده از سوی ایران صنعت گردشگری است. پس از حذف روایید برای سفر از ایران به گرجستان در نوامبر 2010، تعداد گردشگران ایرانی در گرجستان به طور قابل توجهی افزایش یافت. اما با اجرای مجدد طرح ضرورت صدور روایید در سال 2013، تعداد گردشگران به طور چشمگیری کاهش یافت، لیکن پس از لغو مجدد روایید پس از امضای برجام در اوایل سال 2016، تعداد گردشگران، طبق شکل 1، به سرعت افزایش یافت. کشور گرجستان بنا به دلایل متعددی برای مردم ایران جذاب است. استوارت نلسون، مدیر کل هتل هیلتون باتومی در گرجستان می گوید، «ایرانی ها سفر بدون روایید به گرجستان را دوست دارند، این کشور نزدیک و بی خطر است، حومه شهر سرسبزی دارد و آنها می توانند غربی تر رفتار کنند». گرجستان برای حفظ یا گسترش این رشد باید سطح/کیفیت ارائه خدمات خود را ارتقا دهد. همانطور که مایکل کرش بومر، مدیر کل هتل های ماریوت تقلیس این مطلب را بیان کرد: «اکنون باید مطمئن شویم که کیفیت خدمات و زیرساخت های خارج از هتل نیز به همان خوبی داخل هتل است».

این بخش همچنین باید به تدارک نیازهای خاص فرهنگی، به ویژه آشپزی و زبان نیز بپردازد. امکان این کار باید فراهم باشد - حضور کنسولگری ایران در باتومی باید در این زمینه

مؤثر باشد و به دلیل سنت قوی دانش دوستی، تعداد قابل توجهی افراد فارسی زبان نیز در گرجستان حضور دارند. گرچه، باید این نکته را در نظر داشت که به رغم چشمگیری این رشد، این مقدار رشد تنها نشان دهنده حدود 2 درصد از تعداد مسافران در گرجستان در یک سال مشخص است. از این رو، راه بسیار طولانی در پیش است تا گردشگران ایرانی واقعاً به محرک رشد این بخش تبدیل شوند. خارج از حوزه گردشگری، صادرات فعلی گرجستان به ایران محدود است. در حالی که 2016 سال نسبتاً خوبی بود، صادرات به ایران کماکان تنها حدود 2 درصد از کل صادرات گرجستان به شمار می آید. علاوه بر این، دسته بندی کالاهای صادراتی، طبق شکل 2، بیانگر ثبات چندانی از لحاظ فرصت یا مزیت نسبی نیست. با توجه به این تنوع، به جای اتکا به صادرات فعلی برای کسب فرصت، می توان به اصول اقتصادی توجه نمود. گرجستان دارای سه مزیت بسیار مشخص است که می تواند آن را به تولیدکننده اقلام صادراتی به ایران و گیرنده بالقوه سرمایه گذاری مستقیم خارجی این کشور مبدل سازد: آب و هوا، محیط کسب و کار و موقعیت جغرافیایی. این منافع مختلف به طرق گوناگونی با یکدیگر ترکیب می شوند. ظاهراً بارزترین فرصت در بخش کشاورزی ایجاد شده است. میزان بارش باران در گرجستان حدوداً پنج برابر ایران است، به طوری که ممکن است تصور شود ایران واردکننده عمده محصولات کشاورزی است. گرچه، ظاهراً فرصت صادرات محصولات کشاورزی به ایران به ندرت پیش می آید. به رغم وجود فرصت هایی برای صادرات محصولات کشاورزی به سایر کشورهای خاورمیانه، ایران با وجود منابع آبی محدود آن کماکان صادرکننده عمده محصولات کشاورزی با صادرات میوه و سبزیجات به ارزش 2.2 میلیارد دلار در سال 2015 است که بیشترین صادرات غیر نفتی این کشور محسوب می شود. این مقدار شامل صادرات 4 میلیون دلار گندم، 3.8 میلیون دلار میوه و آجیل و خشکبار و 1.3 میلیون دلار سبزیجات به گرجستان است. گرچه، گرجستان از افزایش تقاضا برای دام زنده در خاورمیانه، به ویژه برای مراسم قربانی در پایان ماه مبارک رمضان و حج سود می برد. این مورد تحت تأثیر افزایش تقاضا برای حمل و نقل بین المللی دام زنده بنا به دلایل رفاه دام و چالش های بسیار این مسأله قرار دارد. در نتیجه، طبق شکل 3، در سال 2007 گرجستان از کشوری کامیاب بدون صادرات ثبت شده دام زنده به کشوری با بیش از 1 میلیون دلار عایدی از محل صادرات دام زنده در سال 2008 و 34 میلیون دلار درآمد در سال 2009 تبدیل شد. این افزایش ناگهانی صادرات دام زنده برای کشاورزان فرصت عالی را ایجاد کرد. گرجستان همچنین موفق به ادامه تأمین گوشت خود با وارد کردن فراورده های منجمد ارزان تر گردید که در نتیجه این امر، برخی پیامدهای اجتماعی منفی بالقوه این تجارت کاهش یافت. گرچه، افزایش بیشتر این نوع تجارت به واسطه دسترسی این کشور به چراگاه و فرآوری گوشت خام محدود شده است. این مسأله تا حدی توضیح می دهد که چرا به رغم افزایش قیمت، صادرات گوسفند افزایش چشمگیری از سال 2009 نداشته است. از طرفی، دام های گرجستان مبتلا به بیماری های بومی متعددی هستند و به رغم به کارگیری قرنطینه 24 روزه برای اطمینان از عدم صدور دام بیمار، ناکارآمدی این سیستم گاه منجر به ممنوعیت صادرات دام زنده از گرجستان به خاورمیانه شده است. از این رو، این مورد نیز ظاهراً بعید است به محرک رشد اقتصادی کشور مبدل گردد. سرمایه گذاری خارجی گزینه واضح نهایی برای تأثیرگذاری ایران بر گرجستان حوزه سرمایه گذاری مستقیم خارجی است. مقدار گزارش شده دارایی های مسدود ایران از 30 تا 100 میلیارد دلار متفاوت است. مبلغ هر چه باشد قابل توجه است، به خصوص از این نظر که ایرانیان تجربه معامله با گرجستان را دارند و ممکن است گزینه مناسبی برای کمک به توسعه محصولات و خدمات این کشور بر اساس مجموعه مهارت های منطقه ای خود که هدف آن کشورهای خاورمیانه است باشند. گرچه، آمار ارائه شده تاکنون جای چندان امیدواری باقی نمی گذارد. مقدار سرمایه گذاری مستقیم خارجی رسمی هرگز بیش از 2 میلیون دلار نبوده است و این مقدار در سال 2015 در حدود 0.5 میلیون دلار بود که این مقدار از نظر سرمایه گذاری مستقیم خارجی از اهمیت چندانی برخوردار نیست. گرچه، این ارقام تصویر چندان دقیقی را ارائه نمی کند. طبق گفتگوی ما با آژانس سرمایه گذاری ملی گرجستان و با یک سرمایه گذار بزرگ ایرانی، به نظر می رسد سرمایه گذاری مستقیم خارجی ایران از جانب ایرانی تبارهایی صورت می گیرد که پس از سال 1979 ایران را ترک کردند و در حال حاضر ساکن سایر کشورها، به ویژه عراق، هستند. این افراد احتمالاً به عنوان تاجران با تجربه کار در منطقه، فرصت هایی را برای گرجستان فراهم می کنند، به ویژه که در حال حاضر کشورها در مجموع در مورد سرمایه گذاری ایران نگرانی کمتری از خود نشان می دهند. یکی از مواردی که می تواند مدلی برای آینده سرمایه گذاری ایرانی تبارها در گرجستان باشد سرمایه گذاری در تولید پسته است که در حال حاضر توسط شرکت ARIC LLC صورت می گیرد. مالک این شرکت فردی ایرانی تبار است که با آمریکا و انگلستان ارتباط دارد. این سرمایه گذاری بر اساس مزیت نسبی گرجستان از نظر منابع آبی صورت گرفته است. تولید پسته نیاز به آب فراوانی دارد و هر دانه آن به اندازه 3 لیتر آب مصرف می کند. تولید آن در انحصار کالیفرنیا و ایران است - دو مکانی که منابع آبی آنها به سرعت رو به اتمام است - لذا تولید جهانی پسته در حال حاضر با محدودیت عرضه مواجه شده است. از این رو، صادرات تخصص ایران در زمینه تولید پسته در گرجستان معقول به نظر می رسد. این امر در تقویت نقاط قوت موجود در این کشور نیز نقش دارد. آجیل و خشکبار بر شراب به عنوان بزرگترین محصول کشاورزی صادراتی گرجستان با 176 میلیون دلار یا 8 درصد از کل صادرات آن در سال 2015 پیشی گرفته است. به جز این مورد، پیش بینی محل ایجاد فرصت های احتمالی برای گرجستان دشوار است. در مجموع، دسترسی این کشور به اتحادیه اروپا هدف مد نظر آن برای جلب سرمایه گذاری مستقیم خارجی و رشد توسعه اقتصادی آن محسوب می شود. زمانی که گرجستان دو سال پیش توافقنامه انجمن اتحادیه اروپا را امضا کرد، مشخص نبود دقیقاً چگونه از این اقدام سود می برد. به رغم این که طبق این توافقنامه، بازار اتحادیه اروپا به روی محصولات و خدمات گرجستان باز می شود، به نظر نمی رسد گرجستان در حوزه های بسیاری از ظرفیت تولیدی برخوردار باشد تا بتواند از این فرصت بهره برد. گرچه، جای امیدواری است که تولیدکنندگان بزرگ صنعتی فعال در خارج از اتحادیه اروپا به گرجستان به عنوان محیطی کم هزینه و قابل پیش بینی با دسترسی به بازار توسعه یافته اتحادیه اروپا توجه نمایند. در وهله نخست، معمولاً در این شرایط از چین صحبت به میان می آید. ارزش واقعی جاده ابریشم که بسیار مورد بحث است از نظر ترانزیت نیست، چرا که تنها بازده متوسطی را عاید اقتصاد می کند. ارزش آن در تصمیم چین مبنی بر شرکت در فعالیت های ارزش افزوده برای تضمین واردات بدون تعرفه به اتحادیه اروپا نهفته است. مورد مشابهی در انگلستان در دهه 1980 مشاهده گردید. در آن زمان خودروسازان ژاپنی بخش تسهیلات تولیدی خود را در بازار کار نسبتاً آزاد انگلستان برای دسترسی به بازار اتحادیه اروپا راه اندازی کردند. تغییرات مشابهی در زمان پیوستن کشورهای اروپای شرقی به اتحادیه اروپا روی داد. ایران نیز احتمالاً فرصت های مشابهی را ایجاد می کند. این کشور مرکز صنعتی به بزرگی چین محسوب نمی شود، اما کشوری غنی از نفت، دارای اقتصاد نسبتاً متنوعی با تولید محصولات صنعتی بی شمار مبتنی بر نفت و گاز یا انرژی بر از جمله پلاستیک، آهن، کود و حتی قطعات خودرو است. هر یک از این موارد می تواند فرصتی برای فعالیت ارزش افزوده در بازار گرجستان ایجاد نماید. با توجه به موارد ذکر شده، چه مواعی بر سر راه رشد حاصل از سرمایه گذاری مستقیم خارجی ایران وجود دارد؟ بزرگترین چالش احتمالاً کماکان عدم اطمینان از محیط ژئوپلیتیک است. گرجستان بارها نشان داده است که به رغم قدرانی آن از برخورداری از تعامل مثبت با ایران، روابط آن با غرب، به خصوص با آمریکا، اولویت روشن و قطعی این کشور محسوب می شود. کورنلی کاکاچیا، استاد علوم سیاسی دانشگاه دولتی جواخیشویلی تفلیس، این مسأله را مطرح کرده است که «مقامات ایرانی، تفلیس را به عنوان رژیم بسیار تحت تأثیر غرب تلقی می کنند که تابع منافع ملی آمریکا است» (4). این امر چندین بار در سالیان اخیر روشن شده است. در سال 2008، روابط ایران و گرجستان به مدت یک سال به سردی گرایید. در این زمان گرجستان با استرداد یک شهروند ایرانی به آمریکا موافقت کرد. در سال 2013 نیز پس از این که در مقاله بدبینانه ای در مجله وال استریت ژورنال این مسأله بیان گردید که ایرانیان برای دور زدن تحریم ها در

گرجستان سرمایه گذاری می کنند، دولت گرجستان رژیم بدون روادید خود را (به ظاهر تحت فشار دولت امریکا) لغو کرد. این امر موجب نگرانی بسیار سرمایه گذاران و دانشجویان ساکن این کشور گردید.

این مسأله قطعاً موجب ایجاد نگرانی در مورد هر گونه سرمایه گذاری از جانب ایران خواهد شد. به نظر سرحان اونال که گزارشی در مورد ایران برای بنیاد انرژی ترکیه نوشت، ایران کماکان تحت تأثیر «اقتصاد مقاومتی» است و در نتیجه، سیاست سرمایه گذاری کوتاه مدت آن تحت تأثیر انگیزه بهره گیری از این فرصت برای کمک به آماده سازی خود برای مقابله با «بحران بعدی» است. (5) این امر باعث می شود انجام سرمایه گذاری عظیم در گرجستان بعید باشد، چرا که در صورت وقوع «بحران بعدی» (احتمالاً نوعی اعمال مجدد تحریم ها)، گرجستان احتمالاً جانب غرب و به خصوص امریکا را می گیرد.

این مسأله بر هر دو مورد سرمایه گذاری واقعی ایران و احتمال سرمایه گذاری افراد ایرانی تبار تأثیر می گذارد. سرمایه گذار ایرانی تبار در پشت سرمایه گذاری پسته این مسأله را توضیح داد که یکی از بزرگترین موانع بر سر راه سرمایه گذاری افراد ایرانی تبار در گرجستان، وجود احساسات ضد ایرانی در این کشور است. این امر احتمالاً ناشی از تعصبات فرهنگی دیرینه ای است که به واسطه نگرانی های در مورد تحریم های اعمال شده علیه ایران تقویت شده است.

چشم انداز

این وضعیت با انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس جمهور امریکا حتی گیج کننده تر نیز شده است، چرا که امکان دارد امریکا درصد لغو برجام و فشار برای ارائه تفسیر سختگیرانه ای از آن بر آید یا تحریم های جدید غیرهسته ای بر ایران تحمیل کند. آگاهی از عملکرد اتحادیه اروپا در چنین شرایطی یا عملکرد احتمالی کشوری مانند گرجستان دشوار است. گرچه، افزایش احتمال این تغییر سیاست می تواند تضمین کند که ایران در حال حاضر کشوری نسبتاً منزوی باقی می ماند و منابع خود را صرف توسعه داخلی می کند. این امر می تواند مزایای احتمالی پیش روی گرجستان را حداقل در کوتاه مدت محدود نماید.

نویسنده: دیوید جیجلاوا - دکترا از دانشگاه گرونینگن، هلند و مشاور حفاظت اجتماعی برای شعبه بانک جهانی در گرجستان
مترجم: شهرزاد مفتوح - کارشناس ارشد مطالعات بریتانیا از دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران

یادداشت ها:

Economic and Policy Research Center (April 2016), Georgia and Iran: Opportunities for "Finding Keys to the Door", and Tbilisi and Charles 1-Johnson and Lasha Lentava (Sept 2015), "Un-Muzzling the Persian Panther: Where Georgia Stands to Gain from an Iran without Sanctions."

.ISET Policy Institute Blog

Micha'el Tanchum (Sept 2015), A Post Sanction Iran and the Eurasian Energy Architecture: Challenges and Opportunities for the Euro- 2-Atlantic Community, Atlantic Council, p. 8

Micha'el Tanchum (Sept 2015), A Post Sanction Iran and the Eurasian Energy Architecture: Challenges and Opportunities for the Euro- 3-Atlantic Community, Atlantic Council, p. 8

Kornely Kakachia (Sept 2011), Iran and Georgia: Genuine Partnership or Marriage of Convenience?, PONARS Eurasia 4-Serhan Unal (Feb 2016), Post Sanctions Iran and Regional Energy Geopolitics, Turkish Energy Foundation, Ankara 5-

منبع اصلی:

<http://www.css.ethz.ch/content/dam/ethz/special-interest/gess/cis/center-for-securities-studies/pdfs/CAD92.pdf>